

Research Article

Exploring Imam Khomeini's Critical Approach to the Question of the Miracle of the Quran

Feizolah Akbari Dastak

Abstract

The question of the miracle of the Qur'an is one of the major issues that has been reflected in the historical and scholarly course of the Qur'anic studies and disputes of the Furijan scholars, with a number of scholars discovering and validating certain aspects of the Qur'anic miracle and some others mainly. The minor and non-pivotal aspects of the miracles of the revelations have been dealt with, and they have failed to properly focus on their major dimensions until the rhetorical and literary miracle of the Qur'an is among the first, most famous and central domain of the Qur'anic miracle. However, among Islamic thinkers, Imam Khomeini should be regarded as one of the few religious and narrow-minded scholars who, in his studies and works on the miracle, have a specific, realistic, innovative and at the same time attitude. Practically speaking, such beliefs and insights are not seen in the views and writings of any Sunni or Shiite thinker in different periods of Qur'anic commentary. Imam Khomeini, who regards the Qur'an as a book of guidance and humanization, emphasizing on the necessity of considering all aspects of the Quran's miracles on the one hand and criticizing the beliefs of the prophets of the Quran as miracles of the Quran on the other hand, he emphasized the Qur'anic epistemic and educational miracles. Therefore, the main purpose of this article is to explain Imam Khomeini's Quranic thoughts by emphasizing and focusing on the Quran's miraculous problem through a descriptive and analytical method.

Keywords: Quran, Imam Khomeini, miracle, mysticism, means

واکاوی رویکرد انتقادی امام خمینی (ره) به مسأله اعجاز قرآن

فیض اله اکبری دستک

چکیده

مسأله‌ی اعجاز قرآن از جمله موضوعات مهم و اساسی است که در سیر تاریخی مطالعات و مناقشات قرآن پژوهان فریقین به‌طور مبسوط و مستقل انعکاس یافته است به گونه‌ای که شماری از محققین به کشف و اصطیاد وجوه خاصی از اعجاز قرآن پرداخته و برخی دیگر نیز عمدتاً به وجوه فرعی و غیر محوری اعجاز آیات وحی پرداخته و از بررسی و تمرکز در خور در ابعاد اصلی آن بازماندند تا جایی که اعجاز بلاغی و ادبی قرآن در شمار نخستین، مشهورترین و محوری ترین دامنه‌ی اعجاز آن قرار گرفت. این در حالی است که در میان اندیشه‌وران اسلامی، امام خمینی (ره) را باید از جمله معدود عالمان دین‌باور و باریک اندیشی به‌شمار آورد که در آراء و آثار قرآن شناختی خویش از اعجاز قرآن، با نگرشی خاص و انتقادی، واقع بینانه، مبتکرانه و در عین حال کاربردی سخن رانده به گونه‌ای که چنین باور و بینشی در نگاه‌ها و ننگشته‌های هیچ‌یک از متفکرین شیعه و سنی در ادوار مختلف تاریخ تفسیر قرآن مشاهده نمی‌گردد. امام خمینی (ره) که قرآن را کتاب هدایت و آدم سازی انسان‌ها می‌داند، ضمن تأکید بر ضرورت ملاحظه‌ی تمام جنبه‌های اعجاز قرآن از یک طرف و انتقاد از عقیده طرفداران اعجاز بلاغی قرآن بعنوان اعجاز عمومی قرآن از سوی دیگر، بر اعجاز معرفتی و تربیتی (اعجاز عرفانی) قرآن تمرکز و اصرار ورزیده است. لذا تبیین اندیشه‌های قرآن شناختی امام خمینی (ره) با تأکید و تمرکز بر مسأله‌ی اعجاز قرآن با روش توصیفی و تحلیلی، از اهداف اصلی این مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، امام خمینی، اعجاز، عرفان، رویکرد انتقادی

دکترای تخصصی، استادیار، مدیر گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
f.akbari@kiau.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

قرآن کریم به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی و بزرگترین آبخشور شناخت فرهنگ و معارف اسلامی آن‌چنان با نبوت و شخصیت آخرین پیام‌آور توحید حضرت محمد مصطفی(ص) پیوند خورده است که همواره کمال ترابط، تلازم و اتصال میان قرآن کریم و رسول اکرم(ص) را می‌توان در طول تاریخ اسلام به‌وضوح مشاهده نمود به گونه‌ای که نه تنها اندک افتراق و انشقاقی میان آن دو متصور نیست بلکه همواره تصور و تذکر یکی، آن دیگری را در ذهن و زبان هر مسلمان راستینی تداعی خواهد نمود. همچنان که بر اساس گفتار بلند همین پیامبر خاتم(ص)، این هماهنگی و همگرایی پس از وی، میان قرآن و عترت او نیز وجود و استمرار دارد: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضُ» (مجلسی، ۱۳۸۵ ش: ۱۱/۲۳). اما آنچه که در این بحث، بسیار حائز اهمیت و درخور توجه و تعمق است، نوع معجزاتی است که انبیاء الهی در برابر مخالفان و دشمنان خویش ارائه می‌نمودند چه آنکه معجزات و بیناتی که از سوی غالب رسولان وحی انجام می‌گرفت، از سنخ معجزات اقتراحی، حسی و نیز موقتی و منطقه‌ای بوده است. (سیوطی، ۱۴۰۷ ق: ۴/۳؛ میرمحمدی، ۱۳۷۵ ش: ۱۸۶) متمایزی نبوده است. ولی قرآن کریم، آن معجزه‌ی جاویدان و کتاب جهانی است که از اعجاز فرا زمانی و فرا مکانی برخوردار است که در مطالب خود اختصاص به امتی از امم مانند امت عرب یا طائفه‌ای از طوائف مانند مسلمانان ندارد بلکه با طوائف خارج از اسلام سخن می‌گوید چنان که با مسلمانان سخن می‌گوید به‌دلیل خطابات بسیاری که به‌عنوان کفار و مشرکین و اهل کتاب دارد و با هر طائفه‌ای از این طوائف به احتجاج پرداخته آنان را به سوی معارف حقه‌ی خود دعوت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۵ ش: قرآن در اسلام، ۲۰) همچنان که خود قرآن کریم در مواضع متعددی به صراحت از اعجاز خویش سخن به میان آورده و در مواجهه با منکران و مخالفان خود، اعجاز کتاب الهی را از وجوه متعددی مطرح ساخته و بدین‌وسیله، عجز و ناتوانی آنان در آوردن کتابی به مانند آن را به رخ ایشان کشیده است: (الاسراء/۸۸) و گاهی دیگر، معاندان را در مورد ده سوره و گاهی حتی در یک سوره، به تحدی طلبیده است: (هود/۱۳ و البقره/۲۳) این در حالی است که اگرچه اصل اعجاز قرآن، امری مسلم و غیر قابل تردید است و عالمان فریقین به یکصدا بر آن پای فشرده‌اند ولی مهم‌تر از آن، تبیین و تعیین وجوه و ابعاد این اعجاز است که محل بحث و منشأ پیدایش اختلاف نظرها و مناقشات جدی قرآن پژوهان در ادوار مختلف تاریخ قرآن می‌باشد. به گونه‌ای که علیرغم تصریح خود قرآن مبنی بر وجود جنبه‌های متعدد و متنوعی از اعجاز خویش، گروهی از دانشمندان، تنها به مرزهای محدود و معدودی از وجوه اعجاز قرآن، اشاره و اذعان نموده و از پرداخت و تمرکز بر سایر ابعاد مهم و درخور اعجاز کتاب وحی، صرف‌نظر کرده و یا بازماندند و دسته‌ای دیگر، آن‌چنان تحت‌الشعاع ترکیب الفاظ و موسیقی کلام و استقامت بیان قرآن قرار گرفته‌اند که گویی، قرآن را غیر از اسلوب ادبی و اعجاز بلاغی، اعجاز دیگری نیست و سرانجام برخی دیگر چنان که باید و شاید به عرفان قرآن و اعجاز در جنبه‌های هدایتی و معرفتی- تربیتی آن، عنایت نداشته و کمتر در مسیر مهجوریت زدایی حقایق توحیدی و معارف هدایتی قرآن، اهتمام ورزیده‌اند.

پیداست که ریشه‌ی اصلی اختلاف آراء این دست از متفکرین قرآنی را، باید در وجود تفاوت‌های نسبی بینشی و نگرشی هر یک از آنان در حوزه‌ی معرفت‌شناسی قرآن به ویژه در هدف‌شناسی نزول آن جستجو نمود؛ چرا که در سایه‌ی شناخت همه‌جانبه و حقایق معارف وحی و نیز آگاهی از رسالت قرآن و اهداف نزول آن، کشف و درک وجوه و گستره‌ی اعجاز قرآن، تا حدودی سهل‌تر و ملموس‌تر بوده و در عین حال از قابلیت بیش‌تر و بالاتری برای عرضه‌ی همگانی و نمایش جهانی آن برخوردار خواهد بود به ویژه آنکه در قلمرو اعجاز، قرآن کریم از امتیازات و اختصاصات منحصر به فردی همچون، غیرحسی بودن، جهانی و جاودانگی و نیز فرا عصری و فرا منطقه‌ای بودن برخوردار است که هیچ‌یک از کتب آسمانی پیشین و حتی معجزات سایر پیام‌آوران توحید از چنین مزایا و مختصات بهره‌مند نیستند.

بر این اساس گرچه مسأله‌ی اعجاز قرآن از جمله علمی است که در سلسله مباحث قرآن‌شناختی دانشوران اسلامی از قدمت تاریخی قابل توجهی برخوردار است ولی باید اذعان نمود که همه‌ی مرزها و جنبه‌های اعجاز قرآن کریم همواره به‌عنوان یک اصل مبنایی و مستقل به یک اندازه و یکسان مورد اهتمام و توجه جدی قرآن‌پژوهان قرار نگرفته و آنچه که در آراء و آثار بسیاری از عالمان مسلمان مشاهده و ملاحظه می‌شود، بیش‌تر و پیش‌تر از آنکه رویکردی مطلوب نسبت به بازشناسی و تحلیل سایر ابعاد و مؤلفه‌های اعجاز کتاب الهی داشته باشند، عمدتاً با نگاهی گذرا و مختصر از آن‌ها عبور نموده و عموماً متأثر از نگره‌ی غالب اعجاز بلاغی قرآن قرار گرفته‌اند. این در حالی است که در مسیر مطالعه و بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران قرآنی که در ادوار مختلف تاریخی، مسأله‌ی اعجاز قرآن را مورد اهتمام و اعتناء درخوری قرار داده‌اند، دیدگاه‌های قرآن‌شناختی حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان اسلام‌شناسی جامع‌الاطراف در عصر حاضر از نمود و جامعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. هر چند که بلندای افق اندیشه‌های قرآنی حضرت امام به موازات سایر عرصه‌های اسلام‌شناختی ایشان همچون فقه و اصول و عرفان و سیاست مورد شناسایی و روشنگری قرار نگرفته است، اما مطالعه و غور در مجموع آثار مکتوب و غیر مکتوب آن بزرگوار، حکایت‌گر اوج و عمق اندیشه‌ها و باورهای ناب قرآن‌شناختی ایشان در حوزه‌ی علوم و معارف قرآن است که تبیین و تدقیق مسأله‌ی اعجاز قرآن، شاهد گویایی بر این مدعاست. (نک: اکبری دستک، ۱۳۹۴ش: ۱۰).

پیشینه تحقیق

بررسی مسأله اعجاز قرآن در نگرش امام خمینی بطور خاص از پیشینه پژوهشی چندانی برخوردار نیست و تحقیقات قرآن‌پژوهان عمدتاً بر تبیین کلان‌اندیشه‌های قرآن‌شناختی ایشان تمرکز یافته است: (۱) مقاله: احیای حقیقت اعجاز قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی - محمود واعظی - مجموعه مقالات همایش بین‌المللی قرآن در اندیشه و سیره امام خمینی - ۱۳۹۴ (ب) مقاله: تاملی در اندیشه‌های قرآنی امام خمینی - سید رضا مودب - مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی - ۱۳۸۸ که مولف در بخش چهارم مقاله، به بررسی مسأله اعجاز قرآن از دیدگاه امام خمینی پرداخته است.

لذا پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تبیین مسأله‌ی اعجاز قرآن در آثار اندیشمندان فریقین، مرزها و دامنه‌های اعجاز قرآن را در نگاه و نگرش قرآن‌شناختی امام خمینی(ره) بطور ویژه بررسی و تحلیل نماید تا از رهگذر این تحقیق، از یکسو زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ترسیم و تصویر هرچه بیش‌تر مبانی اندیشه‌های قرآنی ایشان که تا حدی ناشناخته مانده فراهم شود و از سوی دیگر به نقش بی‌بدیل و بنیادین آموزه‌های بلند قرآن و عترت (ع) با محوریت شناخت گسترده‌ی گسترده اعجاز کتاب وحی در شکل‌گیری قیام قرآنی ملت و سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی مطابق با فهم و قرائت امام خمینی(ره) از مبحث اعجاز قرآن، تأکید و تمرکز نماید. (نک: اکبری دستک، ۱۳۹۶ش: ۵۱).

تاریخ شناسی اعجاز قرآن

در بررسی تاریخ شناختی مسأله اعجاز قرآن باید اذعان داشت که اندیشمندان اسلامی همواره در راستای تبیین معجزه بودن قرآن، عموماً واژه‌ی "اعجاز" را محور قرار داده و درصدد بررسی مفهوم و نیز کارکردهای این لفظ برآمده‌اند. شاید این رویکرد از آن جهت باشد که در قرآن کریم لغت معجزه به معنای اصطلاحی آن یافت نشده است. البته بر اساس شواهد و قرائن موجود در آیات، خود قرآن نیز چهار واژه‌ی «آیه» (الانبیاء/۵) و (آل عمران/۴۹) را به معنای علامت و نشانه معجزه (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ش: ۳۵) و مصطفوی، ۱۳۷۱ش: ۵۷/۱)، «بینه» (الاعراف/۷۳) به معنای دلیل واضح عقلی و یا حسی (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ش: ۷۹) درباره معجزات پیامبران، «برهان» (القصص/۳۲) به معنای حجت واضح (مصطفوی، ۱۳۷۱ش: ۲۶۲/۱) همانند ید بیضا و عصای حضرت موسی (ع) و «سلطان» (ابراهیم/۱۱) به معنای نوعی از تسلط قهری که در معنای معجزه نیز ظهور دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش: ۱۰/۲۹۳) را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران به کار برده و از لفظ "معجزه" در این مورد خاص استفاده نکرده است ولی پیداست که اصطلاح رایج و مشهور در میان دانشمندان علوم قرآنی در باب اعجاز قرآن، همان واژه‌ی "معجزه" می‌باشد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵ش: ۵۲). بر همین مبنا دانشمندان علوم اسلامی نیز همصدا در تعریف اصطلاحی معجزه برخارق العاده بودن انجام کاری از سوی فرد صاحب منصب که مقرون به تحدی و معارضا بوده و نشانگر صدق ادعای نبوت باشد، اذعان نموده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۷ق: ۳/۳ و نصیرطوسی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۰ و خویی، ۱۳۹۴ق: ۱۰۳ و طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ۷۲/۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۲ش: اعجاز قرآن، ۱۱۵) این در حالی است که شواهدی در جوامع روایی شیعه وجود دارد که از استعمال لفظ «معجزه» به معنای اصطلاحی آن در روایات اهل بیت (ع) حکایت دارد و نشان می‌دهد که این لغت از دوران امامان معصوم (ع) کاربرد داشته و حتی به جای واژه «آیه» نیز به کار می‌رفته است آنجا که امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَمُعْجَزَةٌ عَلَامَةٌ لِلَّهِ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا أَنْبِيَاءُهُ وَرُسُلُهُ وَحُجَّجُهُ لِيَعْرِفَ بِهِ صِدْقُ الصَّادِقِ مِنْ كَذِبِ الْكَاذِبِ» (مجلسی، ۱۳۸۵ش: ۷۱/۱۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۷ش: ۶۶/۶).

وجوه و دامنه های اعجاز قرآن

مسأله‌ی اعجاز قرآن از دیرباز مورد بحث و نظر محققین اسلامی بوده است به گونه‌ای که نه تنها دانشمندان علوم قرآنی، در آثار و تحقیقات خود به تفصیل از وجوه اعجاز قرآن سخن گفته‌اند بلکه مفسرین و متکلمین نیز به اعتبار گستردگی و نیز پیوستگی این دانش قرآنی با دانش تفسیر، کلام و اصول عقاید به مطالعه و پژوهش در این عرصه پرداختند. (شیخ طوسی، بی تا: ۳/۱؛ کاشانی، ۱۳۴۶ش: ۱۴/۱) اما آنچه که در سیر مطالعه‌ی تحقیقات قرآن شناختی این دست از صاحب نظران قرآنی مشاهده می‌گردد، چنین می‌نماید که بسیاری از آنان بینش و نگرش کلان و جامعی درباره اصل اعجاز و خصوصاً ابعاد گوناگون آن مبذول نداشته‌اند آن چنان که برخی از عالمان بر فهم و فرض خاص خویش از جنبه‌های اعجاز این کتاب مقدس پای فشرده‌اند. از این روی با بررسی و ملاحظه‌ی مجموع نگاه‌ها و نگاشته‌های اندیشمندان فریقین در باب شناخت وجوه اعجاز قرآن چنین به دست می‌آید که ابعادی همچون: فصاحت و بلاغت، اخبار غیبی، اشارات علمی و اتقان احکام قرآن از تراز بالاتر و شهرت بیشتری نسبت به سایر جنبه‌های اعجازی کلام وحی برخوردارند که مشروح آراء و ادله‌ی هر یک ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعجاز ادبی و بلاغی

نخستین و مشهورترین وجهی که برای اعجاز قرآن بیان شده فصاحت و بلاغت کلام وحی است که ارباب ادب و سخن‌دانان عرب بر آن پای می‌فشارند. طرفداران اعجاز بلاغی قرآن بر این باورند که قرآن کریم در سرزمینی نازل گردیده است که کلام عرب در اوج فصاحت و بلاغت قرار داشته و شبه جزیره حجاز فحول از فصحاء و بلغای فراوانی را در قلمرو نظم و نثر و خطابه در مهد خویش تربیت نموده بود که تاریخ برای هیچ ملتی نه پیش و نه پس از آن، هم‌وردی سراغ ندارد. از این رو رسایی، زیبایی و شیوایی اعجاب آور آیات وحی در جنب شیوه‌ی بدیع و منحصر به فرد خویش در بیان مفاهیم و معانی بلند و پر محتوای خود که نه از جنس نثر بوده و نه نظم، چنان جلوه‌گری می‌نمود که شاعران و صاحبان سخن را تحت الشعاع خویش قرار داده بود به گونه‌ای که مفسرین قرآن حکایات متعددی از تأثیر لفظی و معنوی قرآن در دل و جان ادبای عرب در ابتدای نزول آیات نقل کرده‌اند که ماجرای ولیدبن مغیره مخزومی شاهی بر این مدعاست. (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۵۸۴/۱۰؛ عروسی حویزی، ۱۳۸۳ق: ۴۵۵/۵؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۷/۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۱/۳)

جلال‌الدین سیوطی نیز به بررسی اعجاز بیانی قرآن پرداخته و با ذکر بیست دلیل، فزونی و برتری ایجاز آیه‌ی «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ...» (البقره/۱۷۹) را نسبت به مثل مشهور عرب «القتل أنفى للقتل» به اثبات رسانده است. (سیوطی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۱/۱) از همین روی، وجود مؤلفه‌هایی همچون: گزینش کلمات، سبک و اسلوب خاص بیان، نظم آهنگ واژگانی و حسن تعبیر و ترکیب در آیات وحی، باعث گردید تا دانشمندان علوم بلاغت، اعجاز بلاغی و ادبی قرآن را در ردیف نخست وجوه اعجاز قرآن، قرار دهند. بسیاری از بزرگان علم و ادب همچون: شیخ عبدالقاهر جرجانی، سکاکی، قاضی عبدالجبار، ابن سلمان البستی، ابن عطیه غرناطی، راغب اصفهانی و شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء بر عنصر فصاحت

و بلاغت به‌عنوان برجسته‌ترین جنبه‌ی اعجاز قرآن پای فشرده‌اند. (معرفت، ۱۴۱۷ق: ۷۷/۴-۵۰؛ معرفت، ۱۳۸۷ش: علوم قرآنی، ۲۱۸-۲۱۳).

اعجاز در مغیبات

طرح اخبار و حوادث غیبی در لابه‌لای آیات، باعث گردید تا این موضوع مورد توجه و تمرکز قرآن پژوهان قرار گرفته و از آن به‌عنوان مهم‌ترین جنبه‌ی اعجاز قرآن، یاد کنند. اعجاز اخباری قرآن از آن جهت دارای اهمیت است که احاطه و آگاهی بر رشته‌هایی از اتفاقات سرتی و پنهانی از رهگذر اسباب و وسایل طبیعی و مادی هم‌زمان با نزول قرآن برای بشر آن روز، امکان‌پذیر نبود. لذا بر زبان آوردن این دست از وقایع، جز از طریق اتصال به عالم وحی ناممکن بود که البته خود به‌عنوان گواهی بر معجزه بودن قرآن و نیز صدق ادعای نبوت پیامبر اکرم(ص) قلمداد می‌گردید. این نوع از مغیبات قرآنی که در مقیاس وسیعی از آیات قرآن، وارد شده است، سه مقطع زمانی گذشته، حال و آینده را دربر می‌گیرد:

❖ ذکر حوادث و سرگذشت‌های پیشینیان محور بحث‌های تعداد قابل توجهی از سور قرآنی را به خود اختصاص داده است. قرآن از شخصیت و زندگی رسالی پیامبران و نیز سرنوشت اقوام و قبیله‌هایی قبل از اسلام یاد کرده که بیان اسم و رسم برخی از آنان هیچ سابقه‌ای در کتب تاریخی نداشته است. لذا ذکر این دست از گزارش‌های تاریخی- اجتماعی پیش از نزول قرآن، خود نوعی از اخبار از غیب محسوب می‌شود.

❖ در شماری از آیات قرآن، خداوند بروز حوادث و وقایعی در عصر حیات پیامبر(ص) و نزول قرآن خبر می‌دهد به گونه‌ای که با واکاوی و فهم دقیق این دسته از آیات، به روشنی می‌توان دریافت که شخص رسول خدا(ص) و مسلمانان اطلاعی از محتوا و مفاد آن پیشامدها نداشته‌اند ولی هم‌زمان با نزول وحی، آن حوادث برای همگان آشکار و نقشه‌ها و توطئه‌های احتمالی از پیش تعیین شده از سوی مشرکین، منافقین و یا مسلمانان خنثی شدند. (التوبة/۶۴؛ الفرقان/۳۲) مصادیقی از این دست از مغیبات قرآنی را می‌توان در حوادثی همچون: اخبار از جلسات سرتی مشرکان قریش (الانبیاء/۵-۲) و اخبار از بنای مسجد ضرار (التوبة/۱۰۸-۱۰۷) جستجو نمود.

❖ بخش دیگری از مغیبات قرآن مربوط به پیش بینی و پیشگویی‌هایی است که خداوند از وقوع آن‌ها در آینده خبر می‌دهد؛ اتفاقاتی که قرآن کریم از وقوع آن‌ها در آینده‌ای نه چندان دور خبر داده و مدتی پس از گذشت زمان مقرر، حوادث از پیش گفته شده، عیناً به وقوع پیوست. پیشگویی پیروزی روم بر ایران (الروم/۴-۲) و پیشگویی پیروزی لشکر اسلام بر کفار در جنگ بدر (القمر/۴۵-۴۴) نمونه‌هایی از مغیبات قرآنی در مقطع زمانی آینده نسبت به زمان نزول وحی به شمار می‌روند. بدیهی است که اخبار از زمان‌های آینده، جز از مسیر وحی، ممکن نخواهد بود و همین امر باعث گردید تا متفکرینی همچون: قطب رواندی، سید عبدالله شبر، شیخ آل کاشف الغطاء و آیت‌الله العظمی خوبی خبرهای غیبی قرآن را از جمله ابعاد مهم اعجاز قرآن، به‌شمار آورند. (معرفت، ۱۴۱۷ق: ۹۳/۴-۶۴)

اعجاز علمی

یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن، طرح مباحث دقیق علمی مربوط به اسرار و قوانین عالم خلقت در لابه‌لای آیات است که برای بشر آن روز تا پیش از نزول قرآن، هیچ‌گونه امکان دسترسی و یا آگاهی از اسرار و حقایق موجود در پدیده‌های عالم طبیعت وجود نداشت. طرح این‌گونه از مسائل علمی که در آیات قرآن گاه به صراحت و گاه تلویحاً صورت گرفته است، عده‌ی کثیری از دین پژوهان را بر آن داشت تا به معجزه بودن قرآن از دریچه طرح مسائل ظریف و دقیق علمی اعتراف کنند. هر چند که رموز و حقایق بسیاری از این دست مسائل علمی مورد ادعای قرآن در قرون بعدی برای متخصصین فن و توده‌ی مردم مکشوف گردید. این در حالی است که عده‌ای از قرآن پژوهان اشارات علمی قرآن را از جمله وجوه اعجاز قرآن از نظر اخبار و حوادث غیبی برشمرده‌اند. (معارف، ۱۳۸۳ش: ۹۷) از این‌رو، مهم‌ترین مصادیق اعجاز علمی قرآن را می‌توان در موارد ذیل عنوان نمود: کیفیت پیدایش جهان و رمز حیات (الانبیاء/۳۰)، گسترش پهنای جهان (الذاریات/۴۷)، حرکت خورشید و ماه، مدارات ستارگان (یس/۴۰-۳۸)، ستون‌های نامرئی آسمان (الرعد/۲)، زوجیت عمومی در نظام طبیعت (الذاریات/۴۹) و نقش بادها در گرده افشانی و باروری گیاهان (الحجر/۲۲). آیت‌الله خویی و آیت‌الله معرفت از جمله عالمانی هستند که به اعجاز علمی قرآن نظر داشته‌اند. (خویی، ۱۳۹۴ق: ۹-۴۳؛ معرفت، ۱۳۸۷ش: ۲۶-۲۴۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش: علمی قرآن، ۴۳۰).

اعجاز در استواری بیان و عدم اختلاف

یکی دیگر از جنبه‌های اعجاز قرآن، اتقان و استقامت آن در بیان مقاصد و مطالب خویش است به گونه‌ای که این استواری و استحکام سخن، موجب عدم رهیافت اختلاف و تناقض گویی در قرآن شده است. شکی نیست که قرآن در طول چندین سال و به صورت تدریجی نازل گردیده است ولی این طول نزول و پراکندگی آیات، هیچ‌گاه باعث نشد که آیات قرآن مشمول تعارض و تناقض گویی، اصلاح و تجدید نظر و یا حتی اسقاط و اضافات در کلام خویش گردد. در حالی که عواملی همچون: گذشت زمان، رشد و تکامل تدریجی ذهن و علم آدمی، تأثیر پذیری وی از شرایط محیطی، تغییر و دگرگونی در اندیشه‌ی انسان و حتی جهل بشر یا رهیافت اختلاف، تناقض گویی و نیز تجدید نظر در مجموع نگاه‌ها و نگاشته‌های هر انسانی ارتباط مستقیم دارد. بر این اساس، صاحب‌نظران با توجه به کمال همسانی و هماهنگی موجود در میان تمامی اجزاء قرآن بر اعجاز قرآن و غیر بشری بودن آن، پای فشرده‌اند. استواری بیان قرآن و سلامت آن از رهیافت اختلاف، از اعتبار و اهمیت فراوانی در باورهای مسلمانان دارد به گونه‌ای که خود قرآن کریم به صراحت در این باره، سخن رانده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (النساء/۸۲). شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌الله خویی این نظریه از جنبه اعجاز قرآن را پذیرفته‌اند. (معرفت، ۱۴۱۷ق: ۱۳۳/۴).

اعجاز در هدایت‌گری و قانونگذاری

بی‌شک زیبایی و اعجاز قرآن فقط در دایره‌ی الفاظ و تراکیب و فصاحت و بلاغت آن محدود نمی‌شود بلکه این متن مقدس علاوه بر برخورداری از امتیازات بلاغی و ادبی، از امتیازات و اختصاصات دیگری

بهره‌مند است که آن را از سایر کتب نازله آسمانی، متمایز می‌سازد به گونه‌ای که جنبه‌ی هدایت‌گری منحصر به فرد قرآن و نیز تبیین عالی‌ترین اصول و مبانی تربیتی و معرفت‌افزایی آن را باید از والاترین و محوری‌ترین وجوه اعجاز قرآن برشمرد. در برخی از آیات وحی، به صراحت از قرآن به‌عنوان کتاب هدایت و تربیت انسان‌ها و تأمین‌کننده‌ی سعادت وی در دنیا و آخرت یاد شده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (الاسراء/۹) و نیز می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (البقرة/۱۸۵). قرآن در رسالت هدایتی و تربیتی خویش، از چنان جامعیت و گستره‌ی گسترده‌ای برخوردار است که در قلمرو معارف عالیه و تعلیم حکیمانه و قوانین عادلانه از بیان هیچ حقیقت مرتبط با برنامه‌ی جامع سعادت بخش زندگی انسان‌ها دریغ نورزیده است: «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِّلْمُسْلِمِينَ» (النحل/۸۹)؛ «... لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (الانعام/۵۹).

قرآن کریم در مسیر راهنمایی، رشد و ایصال انسان‌ها به کمال حقیقی، حقائق و معارفی از نظام توحید و صفات الهی، تصویر الگویی از حیات رسالی پیام‌آوران یکتا پرستی، کرامت انسانی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای فردی و اجتماعی از مبدأ تا معاد را تبیین نموده که در سایر کتب مقدسه سخنی از آن‌ها به میان نیامده است. از سوی دیگر قرآن در راستای تحقق دیگر مأموریت مهم خویش در امر تشریح و قانون‌گذاری، آن‌چنان دقیق و محکم به ارائه تکالیف عبادی و نیز حقوق فردی و اجتماعی پرداخته که نه تنها با اصل فطرت انسانی در تضاد و تعارض نمی‌باشد بلکه به تمام زوایای پیدا و پنهان انسان شناختی نظر داشته و میان نیازهای مادی و خواسته‌های معنوی او به خوبی تعادل برقرار نموده است. نمونه‌هایی از اصول هدایتی- تربیتی و قوانین حقوقی- مدنی قرآن را می‌توان در عناوین ذیل، جستجو نمود: اصل عدالت خواهی و اداء امانات (النساء/۵۸)، اصل امر به فضائل اخلاقی و نهی از رذائل اخلاقی (النحل/۹۰)، اصل مقابله به مثل در برابر متجاوزان (البقرة/۱۹۴)، اصل مساوات و برابری مردم و ارزش‌گذاری انسان‌ها با سه شاخص: تقوا، علم و جهاد (الحجرات/۱۳؛ الزمر/۲؛ النساء/۹۵)، اصل نفی استبداد و تسلط کافرین بر مؤمنین (النساء/۱۴۱)، اصل صلح و اخوت (الحجرات/۱۰)، اصل اتحاد و انسجام اسلامی (آل عمران/۱۰۳)، اصل پذیرش اختیاری دین (البقرة/۲۵۶)، اصل تکلیف به قدر طاعت (البقرة/۲۸۶).

از همین روی، اشتغال و احتواء فراوان آیات قرآن بر مسائل خرد و کلان هدایتی و قوانین جامع عبادی و مدنی با رویکرد فرا زمانی و فرا مکانی آن‌ها، باعث گردید تا دانشوران اسلامی عنصر ممتاز هدایت‌گری و قانون‌گذاری قرآن کریم را به‌عنوان یکی دیگر از ابعاد و جنبه‌های اعجاز قرآن، به‌شمار آورند. برخی از قرآن‌پژوهان معاصر نیز بر اعجاز هدایتی و تشریحی قراین رأی داده‌اند. (خویی، ۱۳۹۴ق: ۹۱؛ معرفت، ۱۴۱۷ق: ۱۳۵/۴؛ معارف، ۱۳۸۳ش: ۸۷)

رویکرد امام خمینی(ره) به مسأله اعجاز قرآن

امام خمینی(ره) درباره‌ی اعجاز قرآن دیدگاهی نو و بدیع و در عین حال رویکردی متفاوت با آراء دیگران دارد. ایشان در عین اینکه نسبت به وجوه ابعاد متداول که از سوی دانشمندان و قرآن‌پژوهان

متقدم، متأخر و معاصر درباره‌ی اعجاز قرآن مطرح شده، نظری مثبت و موافق دارند ولی تمام وجوه و ابعاد این اعجاز را در مقوله‌ها و موارد مذکوره و مشهوره خلاصه نمی‌داند بلکه حضرت امام(ره) در دیدگاه قرآن شناختی خویش، به وجوه و ابعاد دیگری از اعجاز قرآنی، توجه و تمرکز دارد که از نگاه و منظر سایر قرآن پژوهان و ارباب ادب و بیان، یا مغفول مانده و یا چندان بدان اهتمام و اعتنا نورزیده‌اند اما حقیقت آن است که تیزبینی و ظرافت اندیشی امام راحل در این شاخه علمی از علوم قرآنی بسیار بدیع، ابتکاری و بسیار حائز اهمیت و ارتکاز می‌باشد به گونه‌ای که دقت و تعمق در آن‌ها، برای اهل قرآن و حدیث، بسیار راهگشا و اثربخش خواهد بود. از همین رو مسأله اعجاز قرآن و ابعاد آن در دیدگاه امام خمینی(ره) را می‌توان در موارد ذیل بررسی و تحلیل نمود:

ضرورت ملاحظه همه‌ی ابعاد اعجاز قرآن

از دیدگاه قرآن شناختی امام(ره) چنین استنباط می‌شود که در مسأله‌ی اعجاز قرآن اصل اعتدال از سوی اندیشمندان قرآن پژوه کمتر مورد توجه قرار گرفته و آنان در تبیین ابعاد و وجوه اعجاز قرآن به نوعی دچار افراط و تفریط شده‌اند به گونه‌ای که برخی از دانشمندان آن‌چنان که پیرامون یک یا چند وجه از وجوه اعجاز به‌طور مبسوط و مطول سخن رانده‌اند که درباره‌ی بعضی دیگر از ابعاد آن، کمتر سخن گفته‌اند و عده‌ای دیگر نیز سایر ابعاد اعجاز این کتاب مقدس را، یا مشمول اعجاز قرآن ندانسته‌اند و یا آنکه آن دسته از وجوه اعجازی آیات از چندان اهمیتی در نظر آنان برخوردار نبوده است که به سادگی از کنار آن گذشته‌اند. همچنان که بازتاب چنین تلقی و برآوردی را می‌توان در کلام ایشان به‌وضوح مشاهده نمود آن‌جا که می‌فرماید:

«قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سراپر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند و این اعجاز بزرگ این صحیفه‌ی نورانیه آسمانی است نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام احکام و اتقان تنظیم عاقله و امثال آن که هر یک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و خارق عادت است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش: آداب الصلوٰه، ۲۶۳)

بر اساس عبارت فوق، امام راحل(ره) از یکسو به مقوله‌ی جامعیت و شمول لطایف و حقایق و دقایق معارف توحیدی قرآن کریم اشاره می‌نماید و آن را از چنان جامعیت و جایگاه والا و بی‌نظیری برخوردار می‌داند که اهل معنا و معرفت با منتها درجه‌ی عقل خویش در آن متحیر می‌مانند و از سوی دیگر، همین جامعیت معارف توحیدی را اعجاز بزرگ قرآن کریم برمی‌شمرد. این در حالی است که ایشان به‌طور غیر مستقیم و با رویکردی انتقادی بر کسانی که اصرار یا باور دارند که تمام اعجاز قرآن را صرفاً در فصاحت و بلاغت یا مغیبات و یا استواری کلام آن محصور و محدود کنند، خرده می‌گیرد هر چند که اعجاز موارد یاد شده را نه تنها رد نمی‌نماید بلکه هر یک را مستقلاً، اعجازی خارق‌العاده می‌داند.

حقایق و دقایق معارف توحیدی

در بررسی وجوه اعجاز قرآن از منظر امام خمینی(ره) چنین به دست می‌آید که ایشان لطایف، حقایق، سرائر و دقایق و نیز معارف توحیدی پنهان و آشکار در قرآن را از جمله وجوه اعجاز بزرگ این صحیفه‌ی

آسمانی قلمداد نموده به گونه‌ای که عقول اهل معرفت در ادراک اعماق این اقیانوس بیکران معارف و ظرائف توحیدی، سرگشته و حیران مانده و ظرفیت لازم برای فهم و دریافت آن را ندارد آن‌جا که در این باره چنین فرموده است: «قرآن شریف، به قدری جامع لطایف و حقایق و سرائر و دقایق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند و این اعجاز بزرگ این صحیفه‌ی نورانبه آسمانی است.» (امام خمینی، پیشین، ۲۶۳).

البته اعتقاد به اعجاز حقایق و معارف توحیدی قرآن در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) را باید در دیدگاه کلان قرآن شناختی ایشان مبتنی بر حقیقت و نقش هدایتی- تربیتی و نیز معرفتی این کتاب آسمانی و مقدس جستجو نمود چرا که ایشان همواره قرآن را کتاب هدایت و سند راهبری بشریت می‌دانسته که در این راستا مهم‌ترین رسالت قرآن را در رویکرد تربیتی آن به‌عنوان کتاب آدم‌سازی و نیز شناخت اهداف دعوت آن از قبیل اصلاح فرد و جامعه و همچنین باب معرفت‌الله و راهنمای سکون انسانیت بیان داشته است: «و قرآن کتاب انسان‌سازی است؛ انسان چون بالقوه همه‌ی مراتب را دارد، کتاب خدا آمده است که انسان را انسان کند و همان طوری که جامعه‌اش را اصلاح بکند، خودش [را] هم کامل بکند تا برسد به مرتبه عالی.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ش: صحیفه نور، ۲۰۳/۳).

اعجاز در جامعیت معنوی و عرفانی مبتنی بر ملاحظه فضای نزول قرآن

از دیدگاه امام خمینی(ره) رویکرد جامع و کامل قرآن کریم به پرداخت مباحث معنوی و عرفانی در مسیر هدایت و تربیت انسانی آن هم در محیط تاریک شرک و کفر و عصر جاهلیت از یکسو و ابلاغ و انجام آن توسط حضرت محمد مصطفی(ص) به‌عنوان پاک‌ترین و امین‌ترین شخصیتی که در همان فضا و شرایط و در کنار همان مردم جاهل و مشرک، زندگی می‌کرد را باید به‌عنوان بزرگترین وجه اعجاز قرآن، قلمداد نمود؛ عرفان و معنویت که در هیچ جای عالم حتی در نزد فلاسفه و عرفای یونان، مسبوق به سابقه نبوده است:

«این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان این روز- چه رسد به محیط نزول آن- سابقه نداشت؛ و بالاترین و بزرگترین معجزه آن همین است، آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفه آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگترین فلاسفه آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند و حتی فلاسفه‌ی اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همه‌ی موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام اخذ نموده و از قرآن کریم گفته‌اند و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم در کتاب دیگر نیست و این‌ها معجزه‌ی رسول اکرم(ص) که با مبدأ وحی آن‌طور آشنایی دارد که اسرار وجود را برای او بازگو می‌نماید و خود با عروج به قله‌ی کمال انسانیت حقایق را آشکارا و بدون هیچ حجاب می‌بیند و در عین حال در تمام ابعاد انسانیت و مراحل وجود، حضور دارد و مظهر اعلاي «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» می‌باشد.» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۵ش: صحیفه نور، ۲۱۰/۱۶)

جنبه‌های معنوی و عرفانی نهفته در قرآن که از آن به بطون قرآن نیز تعبیر می‌شود از منظر امام (ره) بزرگترین جلوه‌گاه ظهور و بروز اعجاز قرآن فرض شده است خصوصاً آنچه که بر شدت و حدت تجلی این بُعد از اعجاز قرآن دلالت می‌کند، شرایط محیطی و زمانی است که ظرف نزول قرآن قرار گرفته است محیطی که در نهایت جهل و ظلمت معنویت و عرفان، عقب‌افتاده‌ترین انسان‌ها نیز در آن زندگی می‌کنند و از سوی دیگر، پاک‌ترین و آخرین پیامبر الهی نیز در همین محیط تاریک و در میان همین مردم به‌دور از فرهنگ و تمدن، زندگی می‌کند و از رهگذر نزول قرآن، عالی‌ترین و خالص‌ترین آموزه‌های عرفانی و معنوی را به ساکنین این منطقه تعلیم می‌دهد. معارفی که نه در فلسفه‌ی یونان و نه در کتب ارسطو و افلاطون وجود داشت. لذا نزول، اشتغال و احتواء عالی‌ترین حقایق و معارف تربیتی - عرفانی در آلوده‌ترین محیط برای پرورش عقب‌افتاده‌ترین انسان‌ها را مسلماً باید از بزرگترین جلوه‌های اعجاز قرآن تلقی نمود چرا که حقیقتاً امری خارق‌العاده و فوق طاق است همچنان که آیات وحی نیز بر این مطلب، تأکید می‌ورزند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (الجمعة/۲)؛ «... وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا...» (آل عمران/۱۰۳).

امام خمینی (ره) همچنین در بیانی دیگر این بعد از اعجاز قرآن را بدین‌گونه مورد اشاره و تأکید قرار می‌دهد:

«و هر کس نظری به عرفان قرآن و عرفای اسلام که کسب معارف از قرآن نمودند کند و مقایسه مابین آن‌ها با علماء سایر ادیان و تصنیفات و معارف آن‌ها کند پایه‌ی معارف اسلام و قرآن را که اساس دین و دیانت و غایت القصوای بعث رسل و انزال کتب است، می‌فهمد و تصدیق به اینکه کتاب، وحی الهی و این معارف، معارف الهیه است برای او مؤونه ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش: آداب الصلوة، ۲۶۴).

بر اساس مطالب فوق امام خمینی (ره) عرفان قرآن را نه تنها در میان ابعاد و وجوه اعجاز قرآن، بالاترین و روشن‌ترین جنبه‌ی اعجاز آن می‌داند بلکه فراتر از آن در مقایسه کلی میان عرفان قرآن و عرفای اسلام و نیز میان عرفان و عرفای سایر ادیان و مکاتب، پایه‌ی معارف اسلام و عرفان قرآن را در اوج قله‌ی معارف آسمانی و توحیدی معرفی می‌نماید که از همین مجرا و مسیر، و حیانت قرآن و معارف الهی آن نیز اثبات و تأیید می‌شود.

اعجاز در امی بودن پیغمبر اکرم (ص)

امام خمینی (ره) یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن را در مسأله امی بودن پیامبر اکرم (ص) و زندگانی خاص ایشان به‌عنوان شخص آورنده‌ی قرآن می‌داند، وجهی که در میان سایر وجوه اعجاز قرآن کمتر مورد توجه قرآن پژوهان اسلامی قرار گرفته است. از دیدگاه امام (ره) میان امی بودن پیامبر (ص) و درس ناخوانده بودن ایشان و نیز اشتغال قرآن بر حقایق و لطایف معرفتی - تربیتی و نیز توحیدی، رابطه‌ی مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد که باعث ظهور و اثبات اعجاز بزرگی برای قرآن و دلیلی محکم بر نبوت پیغمبر اکرم (ص) می‌تواند باشد. لذا ایشان در این باره می‌فرماید:

«آن معارفی که به برکت بعثت رسول اکرم(ص) در عالم پخش شد- کسانی که مطلعند که این معارف چی است و تا آن اندازه‌ای که ماها می‌توانیم ادراک بکنیم- می‌بینیم که از [درک] بشریت خارج است؛ اعجازی است فوق ادراک بشریت. از یک انسانی که در جاهلیت متولد شده است، در جاهلیت بزرگ شده است و یک آدمی بوده است که در یک محیطی پرورش یافته است که اسمی از این مسائل اصلاً نبوده در آن وقت. محیط آنجا اصلاً در راجع به مسائل دنیا و به مسائل عرفان و فلسفه و سایر مسائل اصلاً آشنایی نداشتند و در تمام عمرش، حضرت آنجا بوده، یک سفر مختصری کرده است که چند وقتی، یک چند روزی سفر کرده و برگشته. آن وقت، وقتی که بعثت حاصل شد انسان می‌بیند که یک مطالبی پیش آورده است که از حد بشریت خارج است. این اعجازی است که برای اهل نظر، دلیل بر نبوت پیغمبر است، و الا ایشان به خودش نمی‌توانست این کار را بکنند. نه تحصیلاتی داشت، حتی نوشتن را هم نمی‌دانست... این یک امر اعجاز است؛ غیر از اعجاز چیز دیگری نمی‌تواند باشد.»(امام خمینی، ۱۳۸۵ش: صحیفه نور، ۲۴۰-۲۳۹/۲۰).

بر اساس عبارات فوق، امیت پیغمبر آن هم در محیط و فضایی که خبری از معارف تربیتی و مباحث انسان سازی و نیز حقایق توحیدی نبوده و علاوه بر آن خود شخص رسول اکرم(ص) هم در همان محیط و شرایط زندگی کرده و در سایه‌ی بعثت، عرفان و اصول تزکیه و تهذیب نفس را در عالی‌ترین مقیاس و لطیف‌ترین مبانی، عرضه می‌نماید و در این دعوت خویش نیز از موفقیت کامل و جامعی برخوردار می‌شود را باید از جمله مظاهر و وجوه اعجاز این کتاب آسمانی و وحی‌انیت آن قلمداد نمود. بالاتر آنکه رسول گرامی اسلام(ص) در محیطی به دنیا آمد و نشو و نما نمود که تعداد افراد با سواد در آن محیط بسیار محدود بودند و بنا بر نقلی، تعداد آنان از هفده نفر تجاوز نمی‌کرد و نام و نشان هر یک نیز در تاریخ کاملاً مشخص شده است.(عسکری، ۱۴۱۵ق: ۱۳۹/۱) بنابراین در صورت وجود معلم یا معلمانی در زندگی رسول خدا(ص) این موضوع قابل کتمان نبود و از چشم تاریخ مخفی نمی‌ماند. چنان که دشمنان پیامبر نیز نتوانسته‌اند وجود معلم یا معلمانی را برای رسول خدا(ص) ثابت کرده و قرآن را حاصل تعلیم و تعلم بشری در زندگی آن حضرت معرفی کنند. علاوه بر شواهد تاریخی، قرآن کریم نیز به صراحت رسول خدا(ص) را شخصی نا آشنا به خواندن و نوشتن دانسته و عرضه قرآن از سوی او را جنبه‌ای از اعجاز اعلام می‌کند. قرآن پیامبر اسلام(ص) را به‌عنوان فردی امی یاد کرده و علاوه بر آن، جامعه آن حضرت را نیز جامعه‌ای امی می‌داند:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...»(الاعراف/ ۱۵۷)

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»(الجمعة/ ۲).

علاوه بر آن نیز قرآن در خصوص بی‌اطلاعی رسول خدا(ص) از خواندن و نوشتن چنین می‌فرماید:

«وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَ لَا تَخْطُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَرْتَابِ الْمُطْبُوعِينَ»(العنكبوت/ ۴۸).

لذا بر اساس آیات فوق، دلیل معجزه بودن قرآن در پرتو امی بودن پیغمبر اکرم(ص) آن است که چگونه می‌توان باور کرد که شخصی درس ناخوانده و مکتب و استاد ندیده، بتواند از پیش خود کتابی

بیاورد که فصاحت عرب را دچار شگفتی سازد و سپس از آنان و بلکه همه‌ی بشریت دعوت به آوردن نظیری جهت آن کند، اما کسی نتواند قدمی در این مسیر بگذارد! و آیا این دلیل بر این مطلب نیست که قرآن حاصل وحی آسمانی است که از ناحیه‌ی پروردگار عالم به رسول خدا(ص) نازل شده است؟ (معارف، ۱۳۸۳ش: ۸۵)

در همین راستا، امام خمینی(ره) در بیانی دیگر، زندگانی پیغمبر خاتم(ص) در میان محیطی عاری از کمالات و معارف تربیت شده را نمونه‌ای از اعجاز این صحیفه الهی قلمداد نموده، چنین می‌فرماید: «همین طور که اتفاقی خلقت کائنات و حسن ترتیب و نظم آن ما را هدایت می‌کند که یک موجودی منظم اوست که علمش محیط به دقایق و لطایف و جلایل است، اتقان احکام یک شریعت و حسن نظام و تربیت کامل آن که متکفل تمام احتیاجات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، اجتماعی و فردی است، ما را هدایت می‌کند به آنکه مَشْرَع و منظم آن یک علم محیط مطلع بر تمام احتیاجات عائله‌ی بشر است؛ و چون به بداهت عقل می‌دانیم که از عقل یک نفر بشر که تاریخ حیات او را همه مورخین ملل نوشته‌اند و شخصی بوده که تحصیل نکرده و در محیط عاری از کمالات و معارف تربیت شده، این ترتیب کامل و نظام تام و تمام صادر نتواند شد، بالضروره می‌فهمیم که از طریق غیب و ماوراء الطبیعه این شریعت تشریح شده و به طریق وحی و الهام به آن بزرگوار رسیده.» (امام خمینی، ۱۳۸۰ش: چهل حدیث، ۲۰۱).

بر اساس مطالب فوق، نکته قابل توجه آن است که رسول خدا(ص) قبل از بعثت به مدت چهل سال در بین مردم زندگی کرده و نحوه‌ی سخن گفتن وی و به عبارت دیگر اسلوب کلام و عبارات آن حضرت، برای مردم مشخص و آشنا بود. اما کلامی که رسول خدا(ص) پس از بعثت به‌عنوان معجزه به مردم عرضه نمود، از هر جهت با سخنان و عبارات او تفاوت داشت و این اختلاف چیزی نبود که بر سخن شناسان و آگاهان آن روزگار مخفی بماند. از این رو، قرآن کریم از همین مطلب نیز جهت اثبات اعجاز آن استفاده به رسول خدا(ص) چنین آموزش می‌دهد:

«... قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَّاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ * قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَأَكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَلَا تَعْقِلُونَ» (یونس/۱۶-۱۵)

اعجاز در تحدی قرآن

مبارزه طلبی قرآن نیز از دیگر وجوه اعجاز قرآن است که حضرت امام(ره) در دیدگاه قرآن شناسی خویش بدان نظر داشته است. ایشان در این بخش از بیان نظرات خویش به آیاتی از قرآن استناد و استشهاد نموده و اعجاز این کتاب مقدس از رهگذر تحدی و معارضه ناپذیری آن را اثبات و تأکید نموده است:

«قرآن کریم خود در چند جا معجزه بودن خود را به تمام بشر در تمام دوره‌ها اعلان کرده است و عجز جمیع بشر را بلکه تمام جنّ و انس را از آوردن به مثل خود ابلاغ کرده. امروز ملت اسلام همین نشانه‌ی خدا را در دست دارند و به تمام عائله‌ی بشری از روی کمال اطمینان اعلان می‌کنند که این نشانه‌ی پیغمبری نور پاک محمد است، هر کس از دنیای پر آشوب علم و دانش مثل او را آورد، ما تسلیم

او می‌شویم و از گفته‌های خود برمی‌گردیم. در سوره بنی اسرائیل گوید: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» و در سوره‌ی هود: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ...» (امام خمینی، بی‌تا، کشف الاسرار، ۴۷).

امام خمینی(ره) در باور خویش از یک‌سو، مسأله تحدی و معارضه ناپذیری قرآن را از جمله وجوه مستقل اعجاز قرآن برمی‌شمرد که می‌توان گفت این وجه نیز در آراء و نظریات دانشمندان قرآن‌پژوهی که به مسائل اعجاز قرآن پرداخته‌اند تا حدودی کمتر و احیاناً کم رنگ‌تر مورد توجه و رویکرد جدی قرار گرفته است و از سوی دیگر، با استناد و استشهاد به آیاتی از قرآن، به مسأله تحدی و معارضه ناپذیری قرآن در طول تاریخ و نیز عجز و ناتوانی معارضه طلبان از جنّ و انس اشاره می‌نماید. چرا که با تدبر و تعمق در این بخش از گفتار امام راحل و با استفاده از صدر سخن ایشان، روشن می‌گردد که ایشان نه تنها به مسأله معارضه ناپذیری (همانند ناپذیری) قرآن اعتقاد دارند، بلکه به ظهور معارضه کنندگان و نیز عاجز و عقیم ماندن تلاش‌ها و دسیسه‌های مخالفان قرآن در نفی ماهیت آسمانی و وحیانی قرآن، تصریح و تأکید می‌نمایند. بالاتر آنکه حتی امام در ادامه‌ی سخن خویش، تمام ارباب علم و دانش را مخاطب قرار داده و ضمن اعلام مفتوح بودن باب معارضه و تحدی قرآن، همگان را همچنان به معارضه و همانند آوری قرآن مجید، فرا می‌خوانند و در ذیل کلام خویش نیز، به صراحت از تسلیم شدن و صرف نظر نمودن از عقاید و پیش فرض‌های خویش در صورت پیروزی معارضه کنندگان سخن می‌گوید.

اعجاز در فصاحت و بلاغت، اخبار غیبی، اتقان و استواری در بیان

امام خمینی(ره) همگام و همصدا با سایر دانشمندان و قرآن پژوهان اسلامی به سایر ابعاد و وجوه اعجاز قرآن همانند اعجاز بلاغی، مغیبات و استواری و اتقان در بیان، عنایت و توجه درخوری دارد با این تفاوت که میزان توجه، اهتمام و رویکرد ایشان در خصوص کیفیت و کمیت اعجاز موارد یاد شده با عالمان دیگر متفاوت و متمایز است به گونه‌ای که این اختلاف دیدگاه حضرت امام(ره) را باید در بینش و نگرش خاص و کلان قرآن شناختی ایشان جستجو نمود. ایشان ضمن اعتقاد و اذعان به اعجاز بلاغی قرآن و احتساب آن به‌عنوان یکی از وجوه مستقله باب اعجاز قرآن، بر این باور است که نباید این وجه را در شمار جنبه‌های عمومی اعجاز قرآن، قرار داد بلکه ایشان فصاحت و بلاغت را یکی از جنبه‌های اعجاز اختصاصی قرآن و مربوط به عرب‌های صدر اسلام می‌داند که آنان در این رشته‌ی علمی از تخصص و تبحر بالایی بهره‌مند بوده‌اند و همین امر نیز باعث اشتهار فراوان و بیش از حد اعجاز بلاغی - ادبی قرآن نسبت به سایر ابعاد اعجاز کتاب وحی گردیده است. امام خمینی(ره) در همین باره چنین می‌فرماید:

«قرآن شریف به قدری جامع لطایف و حقایق و سرایر و دقائق توحید است که عقول اهل معرفت در آن حیران می‌ماند و این اعجاز بزرگ این صحیفه‌ی نورانیه آسمانی است، نه فقط حسن ترکیب و لطف بیان و غایت فصاحت و نهایت بلاغت و کیفیت دعوت و اخبار از مغیبات و احکام احکام و اتقان تنظیم عائله و امثال آن که هر یک مستقلاً اعجازی فوق طاقت و خارق عادت است، بلکه می‌توان گفت اینکه قرآن شریف معروف به فصاحت شد و این اعجاز در بین سایر معجزات مشهور آفاق شد، برای این بود که

در صدر اول، اعراب را این تخصص بود و فقط این جهت از اعجاز را ادراک کردند؛ و جهات مهم‌تری که در آن موجود بود و جهت اعجازش بالاتر و پایه‌ی ادراکش عالی‌تر بود اعراب آن زمان ادراک نکردند. الآن نیز آن‌هایی که هم افق آن‌ها هستند، جز ترکیبات لفظیه و محسنات بدیعیه و بیانیه، چیزی از این لطیفه‌ی الهیه ادراک نکنند و اما آن‌هایی که به اسرار و دقایق معارف آشنا و از لطایف توحید و تجرید باخبرند، وجهه‌ی نظرشان در این کتاب الهی و قبله آمالشان در این وحی سماوی، همان معارف آن است و به جهات دیگر چندان توجهی ندارند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ش: آداب الصلوٰه، ص ۲۶۴).

همان‌گونه که از سخنان امام(ره) پیداست، ایشان از یکسو به علل و اسباب شهرت فراوان عنصر فصاحت و بلاغت در ردیف اصلی و نخستین اعجاز قرآن اشاره داشته که چگونه در صدر اسلام به لحاظ تخصص و تبحر اصلی و ذاتی عرب‌زبانان معاصر نزول وحی، وجه بلاغی قرآن نسبت به سایر وجوه اعجاز قرآن، از شهرت، توجه و تمرکز خاص و کم نظیری برخوردار گردید و همین امر، باعث شد تا آنان از توجه و پرداخت ویژه و درخور نسبت به سایر ابعاد اعجاز قرآن که در عین حال از اعجاز بلاغی قرآن بسی مهم‌تر و از درجه‌ی اعجاز بالاتر و پایه‌ی ادراکی عالی‌تری برخوردار بود، باز مانند و در همان پله‌ی ابتدایی معجزه‌ی قرآن، توقف نمایند و از سوی دیگر، بر این باورند که همچنان در دوران حاضر نیز کسانی که از جهت فهم و ادراک و تخصص با همان اعراب صدر اسلام هم‌تراز و هم افق هستند، جز فهم تراکیب لفظی و محسنات بدیعی و بیانی قرآن به‌عنوان معجزه‌ی بلاغی و ادبی قرآن، به سایر عناصر اعجازی قرآن به‌ویژه حقایق و لطائف توحیدی و الهی توجهی نداشته و سهمی از ادراک آن نخواهند داشت، چرا که آنان بر اساس تخصص و زاویه‌ی گرایشی و بینشی خود به این سطح از اعجاز قرآن، توجه و تمرکز دارند.

بر همین اساس، امام(ره) بر این عقیده‌اند که اعجاز بلاغی قرآن به لحاظ مبانی و شواهد تاریخی، در ردیف اعجاز عمومی قرآن قرار نمی‌گیرد و باید آن را در شمار اعجاز خاص قرآن به حساب آورد اما در عین حال خود به‌عنوان یک وجه مستقل از وجوه اعجاز قرآن که خارق عادت و فوق طاقت است قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که امام خمینی(ره) دیدگاهی بدیع، ابتکاری و نیز رویکردی متفاوت با سایر صاحب‌نظران قرآنی درباره اعجاز قرآن دارد و نظریه ایشان از شمول بیشتر و در عین حال از جنبه‌ی ملموس‌تر و واقع بینانه‌تری برخوردار می‌باشد؛ زیرا برخی از نظریات ارائه شده از سوی متفکرین اسلامی درباره اعجاز بلاغی- ادبی قرآن برای غیر عرب‌زبانان به خوبی قابل درک نیست. همچنین برجسته نمودن نظریه‌ی اعجاز علمی، پیامدهای ویژه‌ای را می‌تواند به همراه داشته باشد چرا که از یکسو قرآن را پدیده‌ای متغیر، غیر ثابت و عصری معرفی می‌کند و از سوی دیگر این جنبه تنها اعجاز بخشی از آیات را دربر می‌گیرد. (دیاری بیدگلی، ۱۳۸۸ش: ۳۶).

بنابراین در نظریه‌ی امام خمینی(ره) از اعجاز علمی قرآن سخنی به میان نیامده است آن‌گونه که برخی از دانشمندان برای اثبات آن، راه افراط و اغراق را طی کرده و برای اثبات آن به روش تفسیر علمی قرآن پرداختند. البته این سخن بدان معنا نیست که حضرت امام(ره) به روش تفسیر علمی قرآن، نظری نداشته و یا با آن مخالفت داشته باشند، بلکه موضوع مورد بحث در اینجا اعجاز علمی قرآن است نه روش تفسیر علمی.

از همین روی، شاید علت عدم پرداخت حضرت امام(ره) به جنبه علمی اعجاز قرآن را بتوان در این قسمت از بیانات ایشان که ناظر به اصل هدف شناسی نزول قرآن و رسالت‌های آن می‌باشد، جستجو نمود:

«قرآن هم یک کتاب است کتاب آدم سازی، نه کتاب طب است، نه کتاب فلسفه است، نه کتاب فقه است، نه کتاب - عرض می‌کنم - سایر علوم است. هر چه در قرآن هست اگر کسی مطالعه کند درست می‌بیند، آنی که در قرآن هست آن جنبه‌ی الوهیتش هست. همیشه هر چیزی طرح شده به جنبه‌ی الوهیت طرح شده است، همه چیز در آن است اما به جنبه‌ی الوهیتش. اسلام برای خدمت به خدا آمده است، انبیاء خدمه‌ی خدا هستند و برای خدا آمده‌اند و برای توجّه دادن همه‌ی موجودات اینجا و همه‌ی انسان‌ها اینجا به خدای تبارک و تعالی.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش: ۲۳۸/۸).

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای مقاله حاضر را می‌توان به شرح ذیل، تقریر نمود:

۱- نقش و تأثیر گرایش‌های گوناگون تفسیری و قرآن‌شناختی متفکرین اسلامی در تعیین و تصویر ابعاد متنوع اعجاز قرآن کریم را نباید از نظر دور داشت به گونه‌ای که ارباب سخن و ادب عربی به لحاظ نوع گرایش‌ها و رویکردهای خاص خویش در تفسیر ادبی - بلاغی قرآن، بیش‌ترین سهم علمی را در میدان شناخت و ترسیم وجوه اعجاز کتاب الهی به خود اختصاص داده‌اند تا جایی که اعجاز بلاغی و بیانی قرآن از ابتدای پژوهش‌های قرآنی تاکنون از بیشترین میزان شهرت و بالاترین تراز در حوزه‌ی اعجاز شناختی قرآن نسبت به سایر جنبه‌های آن برخوردار بوده است.

۲- اخبار غیبی، اشارات علمی، استقامت بیان، اختلاف ناپذیری، هدایت‌گری و قانونگذاری قرآن از دیگر وجوه مهمی هستند که از سوی قرآن پژوهان فریقین به‌عنوان ابعاد دیگر اعجاز قرآن تعیین شده است. اما وجوه یاد شده، همواره در درجات، مراتب و اولویت‌های بعدی و ثانویه تحقیقات محققین بوده و به آن حجم و گستره‌ای که وجه ادبی - بلاغی مورد تمرکز و اهتمام قرار گرفته، بدان‌ها پرداخته نشده است. علاوه بر این‌ها برخی دیگر از ابعاد و قلمرو کلیدی اعجاز قرآن همانند امیت و شخصیت شناسی پیامبر اعظم(ص) به‌عنوان شخص آورنده قرآن و نیز معارضه ناپذیری قرآن در مسیر اعجاز شناسی این متن مقدس، مورد توجّه واقع نشده است.

۳- امام خمینی(ره) با اعتقاد و اتکاء به اصل هدف شناسی نزول قرآن و نیز درک همه جانبه‌ی رسالت آن، قرآن را کتاب هدایت و تربیت انسان‌ها قلمداد نموده و بر ضرورت ملاحظه‌ی همه جانبه اعجاز قرآن در راستای هدایت و تربیت مادی و معنوی بشر تأکید ورزیده است. از همین روی، حضرت امام(ره) ضمن انتقاد غیر مستقیم و تلویحی به طرفداران سرسخت اعجاز بلاغی قرآن و اذعان به اعجاز استقلالی آن در حوزه فصاحت و بلاغت، بر جنبه‌ی عمومی اعجاز بلاغی و بیانی قرآن رأی داده و اختصاصی بودن اعجاز ادبی - بلاغی قرآن را نفی نموده است؛ چرا که فصاحت و بلاغت قرآن را همسو و مرتبط با تخصص و تبحر فوق‌العاده اعراب صدر اسلام در حوزه بلاغت، نظم و نثر قلمداد نموده که به شهرت سریع و وافر نسبت به سایر ابعاد اعجاز قرآن، منجر گردیده است.

۴- آنچه که در دیدگاه قرآن شناختی امام خمینی(ره) در خصوص مسأله اعجاز قرآن از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است، رویکردها و پرداخت‌های جامع، کلان و گسترده‌ای است که ایشان در تعیین مرزها و جنبه‌های اعجاز قرآن تبیین و تقریر نموده و همین امر، باعث برجستگی و نیز متفاوت و متمایز شدن مسأله‌ی اعجاز قرآن در نگره‌ی امام از دیگر صاحب‌نظران اسلامی گردیده است. از همین روی، وجوه و ابعاد اعجاز قرآن در دیدگاه امام خمینی(ره) را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون: اعجاز در حقایق معارف توحیدی، اعجاز در جامعیت معنوی و عرفانی با ملاحظه‌ی فضای نزول قرآن، اعجاز در آمی بودن پیغمبر اکرم(ص)، اعجاز در تحدی و مبارزه طلبی و همچنین اعجاز در فصاحت و بلاغت، مغیبات و اتقان در بیان، جستجو نمود.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، (۱۴۹۱ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۴ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة العلمیه.
- [امام] خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۵ش)، صحیفه نور، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- همو، (۱۳۸۵ش)، آداب الصلوة، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- همو، (بی‌تا)، کشف اسرار، تهران، انتشارات مصطفوی.
- همو، (۱۳۸۰ش)، چهل حدیث، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- همو، (۱۳۸۶ش)، قرآن، کتاب هدایت در دیدگاه امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- اکبری دستک، فیض اله، (۱۳۹۴)، جامعیت قرآن در دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه متین انقلاب اسلامی، شماره ۶۷ دپاری بیدگی، محمد تقی، (۱۳۸۸ش)، اندیشه و آراء تفسیری امام خمینی(ره)، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۳۳۲ش)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبة الرضویة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۷۵ش)، درآمدی بر اعجاز علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه.
- همو، (۱۳۸۵ش)، پژوهشی در اعجاز قرآن، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- همو، (۱۴۰۸ق)، معترك الأقران فی اعجاز القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان.
- همو، (۱۳۶۲ش)، اعجاز قرآن، قم، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- همو، (۱۳۷۵ش)، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات.

- طوسی، خواجه نصیرالدین و حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷ق)، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، بی‌جا، مکتبه المصطفوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۳۸۳ق)، **تفسیر نورالثقلین**، قم، مطبعة علمیه.
- عسکری، سید مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **القرآن الکریم و روایات المدرستین**، تهران، الجمع العلمی الاسلامی.
- فخرزازی، محمد بن عمر، (۱۴۱۳ق)، **مفاتیح الغیب**، قم، المکتبه الاعلام الاسلامی.
- کاشانی، ملا فتح‌الله، (۱۳۴۶ش)، **منهج الصادقین**، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۶۷ش)، **میزان الحکمة**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۵ش)، **بحارالانوار**، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۷۱ش)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معارف، مجید، (۱۳۸۳ش)، **مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی**، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی نباء.
- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۷ق)، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- همو، (۱۳۸۷ش)، **علوم قرآنی**، تهران، انتشارات سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳ش)، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- میر محمدی، سید ابوالفضل، (۱۳۷۵ش)، **تاریخ و علوم قرآنی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مودب، سید رضا، (۱۳۸۸)، **تاملی در اندیشه های قرآنی امام خمینی**، مجموعه مقالات همایش اندیشه های قرآنی امام خمینی، ج اول.
- واعظی، محمود، (۱۳۹۴) **فاحیاء حقیقت اعجاز قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی**، مجموعه مقالات همایش بین المللی قرآن در اندیشه و سیره امام خمینی

ارجاع: اکبری دستک فیض اله، واکاوی رویکرد انتقادی امام خمینی(ره) به مسأله اعجاز قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۷۱-۵۳.